

عنوان مقاله:

فراسوی دوگانه سنت و مدرنیته: پروژه تجدد سنت به مثابه بصیرتی جانشین

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 13، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

حسین مصباحیان - استادیار گروه فلسفه دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

در فرایند اجتماعی و ذهنی پیدایش آنچه برخی پژوهشگران «مدرنیته ها» نامیده اند، مفهوم «سنت» به مفهومی کانونی، اساسی و گریزناپذیر تبدیل شده است. برای مثال، دوگانگی سنت و مدرنیته در مطالعات مربوط به خاورمیانه از سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به کار گرفته شد و به نحو وسیعی در تفسیر پدیده های اجتماعی و تاریخی کشورهای این منطقه مورد استفاده قرار گرفت. عناوینی مانند «اسلام بین سنت و مدرنیته»، در بسیاری از آثار منتشره در حوزه مدرنیته به کار گرفته شده است. این دو اصطلاح معمولاً به نحوی استعاره‌ای به کار گرفته شده اند: جهان مدرن همان جهان مشاهده کننده و نقاد بوده است و جهان سنت، جهان مشاهده شده و منفعل. علاوه بر این و بدتر از آن، رابطه فرهنگی بین سنت و مدرنیته در درون تئوری‌های مدرنیزاسیون قرار داده شده است: سنت واقعیت جوامع غیرغربی دانسته شده است و مدرنیته به واقعیت جهان غرب اطلاق شده است. این مقاله، در مقابل، تلاش کرده است تا در گام نخست تمایزی قائل شود بین فرآیند نوسازی سنت (تجدد یا جدید سازی سنت) و فرآورده یا حاصل این جدید سازی (مدرنیته) تا از طریق آن ضمن تردید افکندن بر اعتبار معادل تجدد برای مدرنیته و به کار گرفتن معنای لغوی آن (جدید سازی- نوبازسازی) راهی به فراسوی دوگانه رایج و شناخته شده مباحث مرتبط با سنت و مدرنیته بگشاید و پروژه تجدد سنت را به مثابه بصیرتی جانشین معرفی کند.

کلمات کلیدی:

«تجدد سنت»، «کثرت مدرنیته ها»، «دوگانگی»، «غیرغربی»، «سنت نو»، «همه شمولی»

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1591972>

